



آسیب شناسی طنز در سینما و تلویزیون



یکی از تفاوت‌های جامعه اسلامی و جامعه لیبرالی، رسالت محور بودن جامعه است. یعنی جامعه‌ای که نوسندگان آن، فیلمسازان آن و مدیران آن صرفاً برای خود و برای مخاطبان خود زندگی مادی تعریف نکرده اند، بلکه زندگی انسان را ترکیبی از ماده و معنا می‌دانند، یعنی می‌دانند زندگی مادی و معنوی انسان روی یکدیگر تأثیر و تأثر دارند از همین روست که ارکان جامعه اسلامی در پی آن هستند که نوع نگاه، مدیریت و تمامی اعمالشان به گونه‌ای باشد تا همه شئون زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را در جهت تعالی مادی و معنوی برانمیزی کنند.

چون شخصیت پردازی رحیم به گونه‌ای است که مخاطب او را فردی منفعت‌طلب و زسرک می‌پندارد، با این زمینه‌سازی، پنهان کردن پول‌ها توسط او در بیابان هیچ معنایی نمی‌یابد، دستمایه قرار دادن رقابت و حسادت دختر و زن‌ها هم در قالب دعای فرزند و همسر دکتر مهاجر در این سریال بسیار اغراق شده است و در قالب موقعیت‌های پیش یا افتاده، تکرار می‌شود و به غیر از یکی دو لحظه، هیچ جذابیت و طنزی در ایجاد نمی‌کند.

مخبر سری دوم سریال «لیسانسه‌ها» همچون آثار قبلی کارگردان این سریال، نمایش تصویری کاریکاتوری از طبقات متوسط و مرفه شهری در ایران است. «لیسانسه‌ها»، «شععدونی» و به ویژه «پژمان»، تبحر خود در زمینه شوخی با دغدغه‌های نازل و بی‌مایگی تازه به دوران رسیده‌های جامعه را نشان داده بود. او در این سریال‌ها، بخشی از مردم که گرفتار مدرنیته و نوعی بی‌هویتی شده‌اند را دست می‌انداخت و درباره سبک زندگی و دلمشغولی‌های مبتذل آنها شوخی می‌کرد. اما محور سریال جدید او عقده‌های فروخورده و سرکوب شده‌ای است که مطابق با نگاه وی، کل جامعه را در بر گرفته است. طوری که همه کاراکترهای اصلی در «لیسانسه‌ها ۲» از هر طیف و گروه سنی و در هر شغلی، مسئله‌ای جز ازدواج ندارند! در قسمت قبلی فقط حبیب به این مسئله مبتلا بود و بقیه شخصیت‌های داستان، ماجراهای دیگری داشتند و این باعث تنوع داستان شده بود. اما در این قسمت، مازیار هم با اینکه با سرطان دست و پنجه نرم می‌کند وارد این فاز شده، پدر معنادار او هم قصد تجدید ازدواج با همسر سابقش را دارد، جناب سروان هم در پی رسیدن به معشوق قدیمی خود است، دکتر مهاجر هم همه وقتش صرف فراهم کردن تجدید فرام می‌شود و!...



فرهاد ملا امینی - دبیر مجمع بیرون مهدی موعود (عج)

هویت‌زایی را در جامعه ایرانی مد نظر قرار می‌داد و جانشین کردن فرهنگ و هویتی که هیچگونه ارتباطی با ارزشها و باورهای این جامعه نداشته و ندارند را در دستور کار خود داشتند. قابل ذکر آنکه سینمای موج نو بسندت جشنواره‌پسند بوده و در خارج از کشور جایزای را هم کسب کرد اما این فیلمها گویی برای خودنمایی ساخته شده بود و بر دل جماعت ایرانی و مردم کوچک و بزرگ نمی‌نمشت.

خلاصه آن که به شهادت اسناد تاریخی مندرج در این کتاب مردم مسلمان ایران هرگز و در هیچ زمانی از دوران طاووت، سینمای آن را نکرده، چه هنگامی که به دلیل نمایش صحنه‌ها و فیلمهایی مغایر با ارزشها و شعائر دینی و ملی به سانسهای سینما نتوانستند. چه آن زمانی که به دلیل همراهی سینمداران وابسته به عناصر خارجی در به توپ بستن مجلس مشروطه با آنها مبارزه کردند. چه زمانی که به دلیل رواج فساد در فیلمهای روی پرده سینماها به فتوای روحانداران پارچه‌های اعلان فیلم را از سسر در سینماها پاره‌پاره و کتیبه و حلقه‌های فیلم را به خیابان‌ها ریختند. چه در دوران پهلوی اول که با نرفتن سینماها، دوره نخست تاریخ سینمای ایران را به بین‌بینی‌ها و دست‌های پندشاهانه پهلوی که در آن زمان بود و چه در دوران دوم پهلوی که با سینما رفتن و تحریم آن بدین‌صورت شد مردم و ضابطان یعنی فیلم‌های خارجی و موج نو را به انزوا کشاندند تا آن حد که در سال ۵۶ هجری قمری برای سینمای ایران اعلام ورشکستگی کردند.

امروزه متأسفانه به علت خودباختگی و درد بی‌خوابی برخی از مسئولان سینما، خشت‌های سینمای نوین ایران بر خشت کثرت سینمای روشنفکری نهاده شد و در نتیجه همان تفکر و اندیشه سکولاریستی و اومانیستی و ضد دینی سینمای موسوم به موج نو به سینمای نوین ایران سایه گسترده است. با وجود آنکه سینمای انقلاب از کارآمدترین متخصصان سینمایی و تکنیسین‌های هنری و هنرمندان سینمای ایران است. سینمای ایران از این لحاظ در سطح سینمای استعمارگر جهان قرار گرفته اما بعلمت وضعیت محتوایی فیلم‌ها نتوانسته است تا زمانی که سینما توانده با گفتن مردم و باورها و عقاید آنان هم‌بشد و با ارزش‌های مورد نظر آنها را نمایش ندهد. مسلماً با صندلی‌های خالی روپرو خواهد شد.



واکاوی تاریخ سینمای ایران

سینماگران در خدمت دیکتاتوری همچون رضاخان بکار مشغول بودند؛ در نتیجه درون چنین شاخه و ساختاری پدیده‌هایی در سینمای ایران پا گرفت که به فیلم‌فارسی معروف شد. پدیده‌های اجتماعی را مضحکه کرده بود تا بتواند در کنار اقدامات ضد دینی همچون کسوف مجاب و مقابله با روحانیت و شعارات مذهبی افکات مخافت وابسته به صهیونیسم را در انداختن توده‌های مردم حلقه نماید.

مؤلف در کتاب خود علت عدم پذیرش ملت ایران از پدیده سینما و فیلم‌های به ارکان گذاشته را در سه دوره قاجار و پهلوی اول پهلوی دوم را مورد ملاحظه قرار داده و سپس اشاراتی کوتاه به سینمای بعد از انقلاب نموده، استنتاج صاحب قلم این جستار بعد از مطالعه کتاب واکاوی تاریخ سینمای ایران در جهت پاسخ به سؤال مطرح شده بدین شرح است: پدیده سینما توسط دولت قاجار وارد کشور شد. از این‌رو سینما به عنوان یک هنر مردمی در کوچه و بازار و محافل عمومی شکل گرفت. چون محتوای سینما بیشتر با منش و تفکر همان طبقه خاص واردکننده مرتبط بود و با باورها و ارزش‌های دینی و مذهبی مردم مغایرت و تضاد داشت؛ مورد استقبال عامه قرار نگرفت و به عبارتی هیچ نگاه مثبتی به هنر و هنرمند نداشت.

محمد حسن روزی‌طلب از شبکه‌های بیرون مرزی صداوسیما گفت

شبکه‌هایی برای روشنگری در سپهر رسانه‌ای جهان



بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قرار بود تا سینمای نوینی پایه‌گذاری شود؛ حضرت امام (ره) سینما را از مظاهر تمدن قلمداد کردند که بازناب کنند و نمایانگر اعتقادات و ریشه‌ها و هویت این مرز و بوم باشد تا هویتی جهانی کسب نماید اما متأسفانه به رغم آشتی نسبی مردم با سینما در طول سال‌های اخیر انقلاب سینمای ایران در سال‌های اخیر به مرحله‌ای رسید که امروزه بیش از سه تا چهار درصد از مردم ایران تماشاگر آن نیستند. به عبارتی شکافی عمیق مابین سینمای ایران و ملت به وجود آمده است. سؤال این است چرا سینما، به جرایی فراگیر و مردم‌پسند تبدیل نشده است؟ ریشه‌هایی پدیده سینما و اینکه چه کسانی و با چه جریانهایی سینما یا هنر هفتم را در ایران پایه‌گذاری کردند و سپس رشد و گسترش دادند می‌تواند جزوایکی پرسشی فوق باشد.

کتاب «حکایت سینما توگراف» که فعلاً جلد اول آن منتشر شده است به واکاوی تاریخ سینمای ایران از ابتدا تا زمان حال حاصل تبحر و پژوهش‌های مستمر سعید مستغابی است که خود نزدیک به سی سال با این سینما و عوامل و دست‌اندرکاران آن نزدیک و دور بوده و هست. این اثر براساس اسناد مکتوب و شفاهی متعددی نوشته شده که بسیاری از آنها از زبان خود اهالی سینما بیان شده و اکثراً برای نخستین بار در این کتاب منتشر شده است. مهم آنکه سعید مستغابی در این تالیف با دید و نگرهای متمایز از سایر مؤلفان حوزه سینما به این پدیده نگرش است. او در کتابش به زمینه و پس‌زمینه‌ها و مسائل پشت‌پرده سینما پرداخته و به بررسی و تحلیل تاریخی و سیاسی آن را به دقت از زبانی و بررسی کرده است.